

د

مقاله

فاطمه سلیمی
کارشناس مطالعات اجتماعی و دبیر شهر تهران

چکیده

بحرین که در گذشته‌های نه‌چندان دور، جزئی از خاک ایران زمین بوده است. با توطئه استعمار پیر انگلیس و مساعدت وهابیون و مماشات رژیم وابسته پهلوی دوم به پایگاهی علیه منافع ملت ایران تبدیل شد. خاک بحرین اکنون پایگاه نیروی دریایی آمریکایی نفت‌خوار است که به تعبیر امام خمینی (قدس سره) خون مسلمانان را در شیشه کرده است. اندکی پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر جریانات انقلابی در منطقه به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، مردم شیعه بحرین دریافتند که استقلال و آزادی آن‌ها و استقرار حاکمیت اسلامی با وجود نظام حاکم کنونی غیرممکن است. بنابراین مردم ابتدا خواستار اصلاحات و تغییراتی در قانون اساسی شدند، اما آل خلیفه به شدت با این پدیده که نتیجه بیداری اسلامی بود مقابله کرد و با فراخواندن نیروهای وهابی وابسته عربستانی به سرکوب شدید مردم پرداخت. این مقاله در پی آن است که با روش اسنادی به تحلیل این وقایع بپردازد و تأثیرات انقلاب اسلامی را در این خطه مورد مطالعه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: نظام سلطنتی، انگلستان، انقلاب اسلامی، بحرین، آل خلیفه، وهابی‌ها، بیداری اسلامی

بحرین

بیداری اسلامی در جزیره خونین خلیج فارس

تاریخچه

بیشتر جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند و این در حالی است که اقلیت ناچیز بر آن حاکم‌اند. پیش از هخامنشیان اقوام کلدانی و فنیقی بر بحرین حاکمیت داشتند. از زمان هخامنشیان و هم‌زمان با ایجاد کانال سوئز، بحرین یکی از استان‌های ایران محسوب می‌شد. این ناحیه در زمان اشکانیان و ساسانیان جزو خاک ایران بود. تا زمان قاجار نیز بحرین جزئی از ایران محسوب می‌شد. اما از یک طرف، بی‌کفایتی شاهان قاجار و از طرف دیگر، دخالت‌های انگلیس و انعقاد قراردادهای تحمیلی سبب شد حکومت دست‌نشانده آل خلیفه با نفوذ عمیق انگلیسی‌ها در بحرین مستقر شود. در حقیقت جدایی‌خواهی در بحرین زمانی پدیدار شد که این منطقه از سال ۱۸۹۲ تحت سلطه کامل بریتانیا درآمد.

بحرین منطقه استراتژیکی بود که بریتانیا از طریق آن می‌توانست به تسلط کامل بر آب‌های خلیج فارس برسد. انگلیسی‌ها برای حفظ موقعیت خود، بین شیعه و سنی تفرقه ایجاد کردند و زمینه‌های برخورد این دو را فراهم آوردند. چنانچه در دهه ۱۹۵۰ بحرین چندبار در آستانه جنگ‌های خونین داخلی قرار گرفت.

در دوران رضاشاه، ایران همچنان مدعی حاکمیت بحرین بود. در زمان پهلوی دوم دولت ایران در ازای بازپس‌گیری جزایر راهبردی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، داوری میان اختلافات ایران و انگلستان بر سر بحرین را به سازمان ملل متحد واگذاشت و از ادعای خود بر بحرین صرف‌نظر کرد. نظرخواهی از روز ۱۰ فروردین ۱۳۴۹ آغاز شد و مدیر دفتر سازمان ملل در ژنو از سوی او تان-دبیرکل وقت سازمان ملل- مأمور انجام این کار شد. وی پس از پایان مأموریت دوهفته‌ای خود در بحرین گزارش برداشت‌های خود را از صحبت با مردم و گروه‌های بحرینی که به ادعای وی از علاقه آنان به استقلال حکایت می‌کرد، تسلیم دبیرکل کرد.

با این گزارش، «شورای امنیت» سازمان ملل قطع‌نامه ۲۷۸-۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹ را این خواسته را مورد تأیید قرار می‌داد، صادر کرد. این قطع‌نامه به دولت‌های ایران و انگلستان ابلاغ شد و به این ترتیب تهران و منامه در سال ۱۳۵۰ ش مرزهای دریایی میان خود را تعیین و تصویب و روابط دوجانبه را در همه زمینه‌ها آغاز کردند. بحرین روز ۲۲ مرداد ۱۳۵۰ رسماً استقلال خود را در برابر انگلیس اعلام کرد و در ۲۵ آذر ۱۳۵۰ رسماً به‌عنوان یکصد و بیست و نهمین عضو سازمان ملل متحد پذیرفته شد. از آن پس تاریخ ۱۶ دسامبر- ۲۵ آذر- به‌عنوان روز ملی بحرین شناخته می‌شود.

شیعیان بحرینی و گروه‌های مخالف دولت در بحرین همواره از نظرگاه مذهبی از انقلاب ایران اظهار رضایت کرده‌اند. آن‌ها حتی پیش از پیروزی انقلاب، با راهبران آن ملاقات‌هایی داشتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان بحرین راهپیمایی‌هایی در حمایت از انقلاب اسلامی تدارک دیدند. طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دولت ایران هیچ‌گاه رسماً حاکمیت بحرین را زیر سؤال نبرد.

انگیزه‌ها و اهداف جنبش اسلامی بحرین

مهم‌ترین انگیزه‌ها و هدف‌های نهضت اسلامی در بحرین را می‌توان به حاکمیت خاندان «آل خلیفه» ارجاع داد. مردم بحرین هیچ‌گاه موافق حاکمیت خاندان آل خلیفه نبوده‌اند. دلایل این نارضایتی عبارت‌اند از:

۱. خاندان آل خلیفه بحرینی نیستند، بلکه از اقلیت سنی مذهب مهاجری هستند که در پی اختلافات مذهبی با قبیله «بنی کعب» در زمان ریاست **شیخ نصرالله خان**، والی منصوب **کریم خان زند** بر بحرین، از کویت وارد بحرین شدند.

۲. به قدرت رسیدن خاندان آل خلیفه براساس خواست و رضایت مردم صورت نگرفته، بلکه آل خلیفه قدرت را در بحرین در دست گرفته و با پذیرفتن تحت‌الحمایگی انگلیس در سال ۱۸۲۰، قدرت را حفظ کرده است.



وابستگی رژیم بحرین به غرب

آل خلیفه در سال ۱۸۲۰ با انعقاد پیمان با انگلیس، اداره گمرکات، تجارت و امنیت داخلی و خارجی خود را به مأموران این کشور سپرد. تحت‌الحمایگی بحرین در سال ۱۸۸۰ با امضای این پیمان مورد تأیید مجدد قرار گرفت: «من عیسی بن آل خلیفه، شیخ بحرین، بدین وسیله خودم و جانشینانم را در برابر دولت انگلیس متعهد می‌سازم که از مذاکره یا انعقاد هر نوع پیمان با هر کشور یا دولتی غیر از بریتانیا و بدون موافقت دولت نامبرده خودداری کنم و به هیچ دولتی جز بریتانیا اجازه تأسیس نمایندگی سیاسی یا کنسولی را ندهم.»

به این ترتیب انگلیس در سال ۱۹۱۹ تحت‌الحمایه بودن بحرین را به صورت رسمی اعلام کرد و از آن پس بحرین تحت سرپرستی یک مستشار انگلیسی اداره می‌شد. این موضوع به

قیام ناکام مردم بحرین در سال ۱۹۵۱ منجر شد که طی آن مردم خواهان اخراج **بل گراو**، حاکم انگلیسی بحرین شدند. پس از استقلال بحرین نیز وابستگی رژیم آل خلیفه به استعمارگر جدید یعنی آمریکا ادامه یافت و این وابستگی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس شدیدتر شد. اعتراف سخنگوی کاخ سفید مبنی بر این‌که: «اگر کمک‌های دولت بحرین نبود، به هیچ وجه قادر به مقاومت و ماندن در خلیج فارس نبودیم»، مؤید این وابستگی است.

نبود آزادی‌های سیاسی

بازگشت تبعیدیان، آزادی زندانیان سیاسی، لغو ممنوعیت تشکیل احزاب و فعالیت‌های سیاسی-مذهبی، آزادی بیان و مطبوعات، توقف دستگیری آزادی‌خواهان و لغو سانسور، مهم‌ترین خواسته‌های سیاسی مردم بحرین را تشکیل می‌دهند و برای تحقق این خواسته بارها دست به قیام زده‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۳۸ کارگران بحرین خواهان تشکیل مجلس و اتحادیه‌های کارگری شدند. در تظاهرات مشابهی در سال ۱۹۶۵ نیز حق برگزاری گردهمایی سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی به خواسته‌های قبلی اضافه شد. حتی در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ مردم بحرین با برپایی تظاهرات و راه‌پیمایی، خواستار تشکیل مجدد مجلس شدند که در سال ۱۹۹۲ منحل شده بود.

اشاعه فرهنگ غرب

خاندان حاکم بر بحرین برای تضمین تداوم حاکمیت خود به کمک غربی‌ها به تغییر ارزش‌های اسلامی بحرین مبادرت کرد. ساخت «پل وفهد» یعنی تنها پل ارتباطی دریایی بحرین و عربستان، به گسترش فساد در بحرین افزود. زیرا حدود هشت‌هزار تن از کارکنان خارجی مؤسسات عربستان که امکان فساد برایشان در آن کشور میسر نیست، در ایام تعطیل برای خوش‌گذرانی به بحرین سرازیر می‌شوند که همین موضوع بر میزان نارضایتی‌ها در این کشور افزوده است.

ویژگی‌های جنبش‌های سیاسی واجتماعی بحرین

در مورد گروه‌های اجتماعی و رهبران سیاسی که هدایت جنبش بحرین را برعهده داشته‌اند و یا به‌نحوی در تداوم مبارزه سیاسی بحرین نقش آفرین بوده‌اند، نکات زیر شایان توجه‌اند:

۱. تجار مروارید با تشکیل و هدایت قیام‌های ضدانگلیسی در سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۵۴ از مؤثرترین اقصشار اجتماعی در مبارزات اسلامی بحرین به‌شمار می‌رفتند. اما پس از جنگ جهانی دوم، با رواج مرواریدهای بدلی ژاپنی در بازار جهانی، از نفوذ تجار مروارید در صحنه‌های داخلی و خارجی بحرین کاسته شد. البته با کشف نفت قشر جدیدی از کارگران پدید آمدند که

باتوجه به اهمیت جهانی نفت در صحنه داخلی بحرین نقش اجتماعی-سیاسی مؤثری دارند. بر این اساس، نقش برجسته در قیام‌های ضد دولتی ۱۹۵۶، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ با کارگرانی بود که اکثریت آنان شیعه بودند.

۲. گروه‌های سیاسی ملی‌گرا و چپ‌گرا هرگز قادر به ایفای نقش برجسته در رهبری قیام مردم بحرین نشده‌اند. این امر به مسلمان بودن اکثریت قریب به اتفاق مردم بحرین و نیز سازشکاری گروه‌های مذکور برمی‌گردد. برای مثال، اگرچه «کمیته اتحاد ملی» با گرایش ناسیونالیستی در تظاهرات ضدانگلیسی ۱۹۵۶ نقش ویژه داشت، ولی پس از آن با سازش برخی از رهبران با رژیم، کارایی سیاسی خود را از دست داد. حضور کم‌رنگ گروه‌های ملی و کمونیستی در جنبش مردم بحرین نشان از آن دارد که جنبش آن سرزمین ناشی از نابسامانی‌های داخلی و نه متأثر از دخالت کشورهای اسلامی دیگر است.

۳. در پی ناکامی گروه‌های ملی و چپ در رهبری مستمر قیام مردم بحرین، گروه‌های اسلامی واجد نقش برتر شده‌اند. در این راستا می‌توان به «جنبش اسلامی آزادی‌بخش بحرین» (احرار) اشاره کرد.

پیامدهای مبارزه اسلامی مردم بحرین

اگرچه جنبش اسلامی بحرین به هدف سرنگونی رژیم آل خلیفه دست نیافته، اما این جنبش پیامدهای زیر را به همراه داشته است:

الف) بی‌شک مبارزات ضد انگلیسی بحرین که دو نمونه بارز آن در سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۵۴ به وقوع پیوست، در کنار سایر قیام‌های ضدانگلیسی در خاورمیانه در تسریع تصمیم به خارج کردن نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۷۱ از شرق کانال سوئز مؤثر بود. همچنین، این مبارزات در کاهش نفوذ انگلیس در ساختار سیاسی و اداری بحرین تأثیر داشت.

ب) مهم‌ترین پیامد مبارزات اسلامی مردم بحرین که بلافاصله پس از خروج انگلیس از بحرین به ثمر نشست، برگزاری انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۷۲ و پس از آن تشکیل مجلس و تدوین و تصویب قانون اساسی بود. اما امیر بحرین در پی مخالفت مجلس با تصویب لایحه امنیت وزارت کشور بحرین که براساس آن، وزیر کشور می‌توانست دستور دستگیری هر مظنونی را به بهانه دست داشتن در اقدام علیه امنیت کشور صادر کند، مجلس را منحل کرد و اجرای قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد.

ج) در پی ادامه اعتراضات مردم، رژیم بحرین در سال ۱۹۷۲ مجلسی مشورتی-انتصابی متشکل از ۳۰ نفر را به‌جای مجلس منحل شده تشکیل داد. این شورا که زیر نظر امیر و دولت بحرین فعالیت می‌کند، صرفاً جنبه مشورتی و نه قانون‌گذاری دارد.

اما اعتراضات بعدی مردم نشان داد که این اصلاحات هدایت شده دولتی در تأمین خواسته‌های عمیق آنان ناکافی است. واکنش امیر بحرین در قبال دور جدیدی از اعتراض‌های مردمی که از سال ۱۹۹۵ در بحرین آغاز شد، توسل به زور و افزودن ۱۰ نفر دیگر به اعضای مجلس مشورتی بود. این دو موضوع به تشدید مخالفت‌های مردمی انجامید. به‌ویژه اینکه افزایش اعضای مجلس مشورتی برخلاف قانون اساسی ارزیابی شده است.

مهم‌ترین جریان‌ها و احزاب معارض بحرین

۱ جنبش احرار

این جنبش در سال ۱۹۵۶ شکل گرفت و در دهه ۱۹۶۰ قیام کارگری علیه رژیم بحرین و «جنبش معروف» را پدید



آورد و از سال ۱۹۸۱ به اقدامات نظامی ضد دولتی متوسل شد. اعضای این جنبش را مسلمانان شیعه و سنی تشکیل می‌دهند. آن‌ها براساس ایدئولوژی اسلامی و شعار «نه غربی نه شرقی» و با تکیه بر راهبرد بسیج افکار عمومی و پرهیز از هرگونه سازش، خواهان برقراری حکومت اسلامی در بحرین هستند. **حسین الشهابی** در حال حاضر یکی از رهبران برجسته این جنبش به‌شمار می‌آید. جنبش احرار در اعتراضات اخیر بحرین حضور فعالی داشت و در کنار جریان‌های معارض دیگری چون «الوفاق» و «حق»، خواستار انحلال دولت و پارلمان و سرنگونی رژیم آل خلیفه است.

۲ جمعیت وفاق اسلامی

جمعیت وفاق اسلامی بحرین جمعیتی سیاسی، اسلامی، شیعی و بحرینی است که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد و از

بازداشت شده بود. وی را باید از جمله شخصیت‌های منطقه‌ای حامی جمهوری اسلامی ایران دانست.

۴ جمعیت الوعد (العمل الوطني و الديمقراطي)

اولین جمعیت سیاسی بحرین که در سال ۲۰۰۱ اعلام موجودیت کرد و ادامه تاریخی جبهه مردمی بحرین (چپ‌گرایان) به‌شمار می‌آید. همچنان نیز ائتلافی از چپ‌گرایان، ملی‌گرایان و نیروهای مستقل بحرینی تلقی می‌شود. این جمعیت انتخابات سال ۲۰۰۲ را تحریم کرد، اما در انتخابات سال ۲۰۰۶ شرکت کرد و در انتخابات اخیر بحرین یعنی سال ۲۰۱۰ با سه نامزد مشارکت داشت.

۵ جمعیت عمل اسلامی (جمعية العمل الإسلامي)

این جریان در اواخر دهه ۱۹۷۰ تأسیس شد. در آن زمان به جریان «شیرازی‌ها» معروف شد که به آیت‌الله محمد شیرازی، مرجع تشیع منتسب بود. جمعیت عمل اسلامی ادامه جبهه اسلامی آزادی بحرین به‌شمار می‌آید که در سال ۱۹۸۱ به تلاش برای انقلاب علیه دولت وقت بحرین متهم شد.

این جریان انتخابات سال ۲۰۰۲ را تحریم کرد. اما در انتخابات سال ۲۰۰۶ شرکت کرد. اما بار دیگر انتخابات سال ۲۰۱۰ را تحریم کرد.

۶ جمعیت تریبون ملی اسلامی (جمعية المنبر الوطني الإسلامي)

نماینده و بازوی سیاسی «جمعیت الإصلاح» است که در دهه ۱۹۴۰ در بحرین تشکیل شد. در انتخابات سال ۲۰۰۲ شرکت کرد و موفق شد هشت کرسی پارلمان را به‌دست آورد. در انتخابات سال ۲۰۰۶ با جمعیت الاصله (جریان سلفی‌ها) ائتلاف کرد و هفت کرسی به‌دست آورد. در انتخابات سال ۲۰۱۰ نیز با هشت نامزد شرکت کرد.

ایران و بحران بحرین

مردم مسلمان بحرین در حالی با چراغ سبز کشورهای غربی به‌دست آل خلیفه سرکوب و شهید می‌شوند که مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر، همچنان نسبت به این فجایع سکوت کرده‌اند. پس از بروز انقلاب در تونس که موجب فرار زین‌العابدین بن علی و همچنین انقلاب مردم مصر و سقوط حسنی مبارک شد، بحرینی‌ها نیز به خیابان‌ها آمدند و به عملکرد پادشاه این کشور اعتراض کردند.

بحرین دارای حکومت پادشاهی مشروطه است. پادشاه به‌طور موروثی از خاندان آل خلیفه انتخاب می‌شود که از

جمله بزرگ‌ترین گروه‌های معارض بحرینی به‌شمار می‌رود. از بعد تاریخی باید آن را میراث جنبش احرار بحرین دانست که محرک اصلی اعتراضات سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ بود.

ریاست جمعیت را هم‌اکنون شیخ علی سلمان برعهده دارد. هدف این جمعیت ساخت کشوری پیشرفته به حاکمیت مردم است. از این حیث شعار «آزادی، عدالت و برابری براساس اصول و مبادی اسلامی» را سر می‌دهد. همان‌گونه که گفته شد، این جمعیت بزرگ‌ترین جریان معارض بحرین به‌شمار می‌آید و در پارلمان این کشور ۱۸ نماینده داشت که در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه رژیم حاکم علیه معترضین بحرینی، رسماً از پارلمان استعفا کردند.

۳ جنبش حق

آن‌گونه که خود را معرفی می‌کند، «جنبش آزادی‌ها و دموکراسی بحرینی با گرایش‌های اصلاح‌طلبانه» است و در کنار الوفاق اسلامی یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جنبش‌های معارض بحرینی را تشکیل می‌دهد. در ابتدا حسن المشیمع، از رهبران برجسته معارض بحرینی، دبیرکل جنبش و عیسی الجودر معاون وی بود که بعدها مشیمع به رهبری جنبش برگزیده شد. جنبش حق در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۵ تأسیس شد و باید آن را انشقاق حاصل از جمعیت الوفاق اسلامی برشمرد.

درباره حسن مشیمع، رهبر جنبش حق باید گفت که هم‌زمان با اعتراضات اخیر مردم بحرین علیه رژیم آل خلیفه، وی و جنبشش نیز پیوستن خود به اعتراضات مردمی و قیام علیه رژیم بحرین را اعلام کردند و بسان جمعیت الوفاق اسلامی خواسته‌هایشان در انحلال دولت و پارلمان و رژیم آل خلیفه نمود پیدا می‌کند. مشیمع ۶۳ ساله در سال ۲۰۱۰ به اتفاق ۲۵ شخصیت دیگر معارض بحرینی به اقدام و تلاش برای براندازی رژیم حاکم متهم شد. مشیمع تا پیش از آن چهار بار

تظاهرات مردمی در بحرین





سال ۱۸۲۰ میلادی قدرت را در این جزیره به دست دارند. حاکمان بحرین همواره اتحاد خود را با انگلیس اعلام کرده‌اند. اعتراض بحرینی‌ها ابتدا در راستای ایجاد اصلاحاتی در قانون اساسی این کشور بود که در سال ۲۰۰۲ تصویب شد. اما این اعتراض‌های مسالمت‌آمیز با بازداشت و سرکوب شدید مردم توسط نیروهای آل خلیفه و آل سعود همراه شد.

رهبر معظم انقلاب در بخشی از بیانات خودشان در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۱۳۹۰ در مورد بحرین فرمودند: «مسئله بحرین از لحاظ ماهیت، درست مثل مسائل دیگر کشورهای منطقه است. یعنی مسئله بحرین با مسئله مصر، مسئله تونس و مسئله لیبی هیچ فرقی ندارد. ملتی هستند و حکومتی بر سر آن‌هاست که حقوق آن‌ها را نادیده می‌گیرد. ملت بحرین با این قیامشان چه می‌خواستند؟ خواسته اساسی آن‌ها این است که انتخابات انجام بگیرد. هر یک نفر آدم یک رأی داشته باشد. این چیز زیادی است؟ این توقع زیادی است؟ در شکل کار در بحرین، یک صورت انتخاباتی وجود دارد، لیکن مطلقاً مردم آنجا از حق رأی دادن، به این معنا که هر یک نفر یک رأی داشته باشد، برخوردار نیستند. دارد به آن‌ها ظلم می‌شود. خب اینجا غربی‌ها فرصت را مغتنم شمردند، برای اینکه در قضایای منطقه دخالت کنند. با طرح یک مسئله جدید، مسئله شیعه و سنی، چون مردم بحرین، بیچاره‌ها شیعه‌اند.

بهانه در بسیاری از امور کشورهای دیگر دخالت می‌کنند، مردم مظلوم بحرین با سرکوب شدید و وحشتناک نیروهای امنیتی مواجه هستند. متأسفانه کسانی که طی دهه‌های گذشته مدعی دفاع از حقوق بشر بودند، از این رژیم مستبد، دیکتاتور و جنایتکار در بحرین با تمامی توانشان حمایت کردند و یک سند جنایت و وحشتناک و ماندگار در تاریخ بشریت را رقم زده و می‌زنند.

بنابراین هیچ‌کس در دنیا نباید از آن‌ها حمایت کند. تلویزیون‌هایی که جزئیات قضایای منطقه را پخش می‌کردند، نسبت به قضایای بحرین سکوت کنند، کشتار مردم بحرین را منعکس نکنند. یک عده‌ای هم در بیابند در کشورهای حاشیه خلیج فارس، چه سیاست‌مدار، چه روزنامه‌نگار، گزافه‌گویی کنند و بگویند مسئله بحرین، جنگ بین شیعه و سنی است.

کسانی که هم‌اکنون از آل خلیفه دفاع و پشتیبانی و آن را تجهیز می‌کنند (وهابی‌های سعودی)، به‌طور یقین در این جنایت و سرکوب سهیم هستند و تاریخ آنان را فراموش نخواهد کرد. مبارزاتی که در داخل خاک بحرین بر ضد آل خلیفه صورت می‌گیرد، به گروهی خاص و اندک محدود نیست و اکثر مردم و گروه‌های سیاسی این کشور را شامل می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت ما شاهد یک انقلاب در این کشور هستیم.

چه جنگی بین شیعه و سنی؟ اوج وقاحت آمریکایی‌ها آنجایی است که دخالت تانک‌های دولت سعودی را که آمدند توی خیابان‌های منامه بحرین، دخالت نمی‌دانند، اما وقتی مراجع تقلید ما، علمای ما، خیرخواهان ما می‌گویند مردم را نکشید، می‌گویند شما دخالت کردید. این دخالت است؟ اینکه ما به یک دولتی، یک رژیم ظالمی، خطاب کنیم و بگوییم مردم خودتان را نکشید، این دخالت است، اما آمدن تانک‌های بیگانه توی خیابان‌های بحرین دخالت نیست. این اوج وقاحت آمریکایی‌ها و اذنازشان در منطقه است که این جور حرکت می‌کنند، این جور حرف می‌زنند و این جور تبلیغات می‌کنند.»

انقلاب فراگیر و عمومی بحرین، آحاد مردم را در برمی‌گیرد و متشکل از نخبگان، افراد عادی، تشکل‌ها و مجموعه‌های سیاسی و توده‌های مختلف مردم است. جنایاتی که در بحرین صورت می‌پذیرد، برای آزادی‌خواهان نگران‌کننده است، چراکه آنان چیزی جز آزادی، حقوق شهروندی و مطالبات انسانی نمی‌خواهند. اما پاسخ درخواست آنان، شکنجه، سرکوب و در نهایت شهادت است. مظلومیت مردم بحرین در نهایت به آزادی آنان منجر خواهد شد، زیرا این سرکوب‌ها و برخوردهای خشن و وحشتناک تا به امروز نتیجه‌ای جز تقویت عزم و اراده مردم نداشته‌اند.

وقتی ملتی در مقابل سرکوب‌ها و ارباب‌ها مقاومت می‌کند، یقیناً پیروز خواهد شد؛ چراکه این وعده الهی است که از مظلومان حمایت و آنان را یاری خواهد کرد.

حمایت غرب از آل خلیفه

وقایع دلخراش بحرین بسیار نگران‌کننده است. زمانی که قدرت‌های غربی در دنیا بحث حقوق بشر را مطرح و با این

عربستان سعودی

نظام حکومتی

قبیله‌ای دارد.

ایده اتحاد میان

کشورهای شورای

همکاری خلیج

فارس از نظر

عربستان، جبهه

ضد انقلابیون و

سنت‌گرایان را در

مقابل تغییر طلبان

و اسلام‌گرایان

مستحکم‌تر می‌کند.

عربستان که خود

با قیام مردم

استان «الشرقیه»

روبه‌روست، از هیچ

اقدامی برای کمک

به سرکوب انقلاب

مردم بحرین دریغ

نکرده است

انقلاب بحرین و پیچ تاریخی آن

حرکت مردمی بحرین در اوج مظلومیت به راه خویش

ادامه می‌دهد و این وضعیت و نتایج آن، سوالاتی را به

ذهن متبادر می‌کند. مهم‌ترین سؤال این است که: «چرا

با وجود روحیه انقلابی، رشادت‌ها و ایستادگی‌های مردم،

حکومت آل خلیفه در این کشور همچنان بر سر قدرت است

و هرروزه شاهد خبرهایی از به شهادت رسیدن و مجروح

شدن تعدادی از مردم این کشور و سرکوب ازسوی نیروهای

هستیم که عمدتاً ملیت بحرینی ندارند؟» در مصر انقلاب

پیروز شد و محمد مرسی با انتخابات از رقیب پیش افتاد

و به ریاست‌جمهوری رسید. در لیبی و تونس نیز دیکتاتور

در یکی به هلاکت رسیده و در دیگری متواری شده است

و دولت‌های انتقالی شکل گرفته‌اند و گرچه هنوز انقلاب

مردمی در این کشورها به نتایج نهایی و تغییرات کلی که

مردم خواستار آن بودند، نایل نیامده است، اما روندی رو به

رشد و محسوس را در این کشورها شاهد بوده‌ایم. باید گفت

چند مؤلفه باعث شده‌اند انقلاب ملت بحرین که بیش از یک

سال از آغاز آن می‌گذرد، تا بدین حد طولانی شود.

ناوگان‌های نظامی

از سال ۱۹۹۳ فرماندهی منطقه‌ای نیروی دریایی

آمریکا در بحرین مستقر شد و در ژوئیه ۱۹۹۵ هم این کشور

میزبان ناوگان پنجم دریایی آمریکا شد. واشنگتن براساس

توافق‌نامه همکاری دفاعی که با بحرین به امضا رسانده بود،

از امکانات و تسهیلات بسیاری در فرودگاه‌ها و بنادر بحرین

برخوردار شد. این ناوگان وظیفه حفظ و حراست از منافع

آمریکا را در خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ، خلیج

عدن و بخشی از دریای سرخ بر عهده دارد. عبور ۲۰ درصد

نفت جهان از تنگه هرمز، حساسیت ویژه‌ای در این منطقه

ایجاد کرده است. آمریکایی‌ها به هیچ عنوان نمی‌خواهند

حضور نظامی‌شان در منطقه با سقوط حکومت بحرین به

صورت ناگهانی کمرنگ شود. چهارهزار و ۲۰۰ نفر کارکنان

نیروی دریایی آمریکا به‌صورت دوره‌ای در پایگاه این کشور

در بحرین اقامت دارند؛ پایگاهی که با بیش از ۲۴ هکتار

مساحت در مرکز منامه، پایتخت این کشور قرار گرفته است.

به همین خاطر بحرین را یکی از متحدان اصلی آمریکا خارج

از پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌دانند.

این نزدیکی دو طرف باعث شده است که مقام‌های

آمریکایی به سادگی در طول سال‌های گذشته چشم خود

را روی نقض حقوق شیعیان در بحرین ببندند. شیعیان

بحرین با وجود اینکه بیش از ۷۰ درصد جمعیت این کشور

را تشکیل می‌دهند، مدت‌هاست که با برخورد تبعیض‌آمیز

خاندان سنی مذهب آل خلیفه مواجه بوده‌اند. مردمی که

اکثریت جمعیت این کشور را در اختیار دارند، می‌گویند:

سال‌هاست که با آن‌ها مانند «شهروند درجه دو» برخورد

می‌شود. بدون شک مقام‌های آمریکایی از مدت‌ها پیش از

مشکلات اساسی حکومت بحرین مطلع بوده‌اند، اما به خاطر

منافع راهبردی خود در منطقه حاضر شده‌اند که از این

موضوع چشم‌پوشی کنند.

همسایگان وابسته بحرین

بحرین تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که خیزشی

عظیم را شاهد بوده و طبیعی است که رژیم آل سعود و

همسایه‌های دیکتاتور دیگرش از رسوخ این انقلاب به کشورشان

هراسناک باشند. دیگر اینکه سعیت و قساوتی که آل خلیفه

و سعودی‌ها در این کشور برای سرکوب مردم به آن متوسل

شده‌اند، در هیچ کدام از کشورهای خروشان انقلابی را در

آن‌ها شاهد بوده‌ایم، مشاهده نشده است. حضور یک نیروی

خارجی و به نوعی اشغال یک کشور در حال انقلاب توسط

کشوری ثالث که مردم خواهان آزادی‌های سیاسی و دموکراسی

در آن هستند، خود‌گویای این موضوع است که انقلاب مردمی

بحرین نه تنها نادیده گرفته می‌شود، بلکه اجماعی نانوشته و پلید

برای کمک به سرپا ماندن حکومت آل خلیفه از طریق سرکوب

قیام مردمی در آن صورت گرفته است.

در این زمینه سؤال اساسی این است که: چرا

عربستان بحرین را اشغال کرده است و مردم مسلمان آن

را به شدت سرکوب می‌کند. حکام عربستان دست‌نشاندهگان

آل سعودی‌اند که سرزمین حجاز را با عنوان عربستان

سعودی اشغال کرده‌اند. سرزمینی را که پیامبر اسلام حجاز

نامید، آن‌ها به عربستان آل سعود تبدیل کردند. آن‌ها برای

حفظ موقعیت خود به عنوان مجری فرامین انگلیس و آمریکا

دست به نقشه‌های متفاوتی زدند تا بتوانند حاکمیت داشته

باشند و به دنیا پرستی خود ادامه دهند. از آن جمله است

کشتار همسایگان و توصیه به تغییر نام «شورای همکاری

خلیج فارس» به یک اتحادیه.

عربستان سعودی نظام حکومتی قبیله‌ای دارد. ایده

اتحاد میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از نظر

عربستان، جبهه ضد انقلابیون و سنت‌گرایان را در مقابل

تغییر طلبان و اسلام‌گرایان مستحکم‌تر می‌کند. عربستان

که خود با قیام مردم استان «الشرقیه» روبه‌روست، از هیچ

اقدامی برای کمک به سرکوب انقلاب مردم بحرین دریغ

نکرده است و تصمیم دارد در قالب الحاق بحرین به خاک

خود، از به ثمر نشستن انقلاب مردمی این کشور جلوگیری

کند.

هدف عربستان از پیگیری اتحاد کشورهای خلیج فارس، در درجه اول حفظ رژیم آل خلیفه، مشروع کردن اشغال بحرین (اشغال بحرین به اعتراض‌های فراوانی در سطح منطقه و جهان منجر شد) و جلوگیری از تأثیرگذاری قیام مردم بحرین روی شیعیان ساکن استان الشریقه عربستان و مناطق «احصا» و «قطیف» است که منابع نفتی زیادی هم دارند. همچنین الحاق بحرین به عربستان با این هدف صورت می‌گیرد که با تغییر ترکیب جمعیتی، اکثریت شیعی این کشور به اقلیت تبدیل شود.

دلیل دیگر عربستان استفاده از ظرفیت اعراب برای مقابله با پیشرفت‌های جمهوری اسلامی و تضعیف قدرت ایران در منطقه است. این موضوع باعث شده است که عربستان بکوشد در راستای منافع مشترک خود با اسرائیل و آمریکا و منحرف کردن افکار عمومی منطقه، ایران را به عنوان خطر اصلی منطقه معرفی کند. به عبارت دیگر، یکی از راهکارهای عربستان، دامن زدن به پرونده ایران هراسی به منظور ترغیب کشورهای حاشیه خلیج فارس برای پیوستن به این اتحادیه است.

نکته مهم دیگر این است که در صورت سرنگونی خاندان آل خلیفه در بحرین و روی کار آمدن نیروهای شیعی (به عنوان نماینده اکثریت مردم بحرین)، احتمال نزدیکی کشور بحرین به ایران و عراق بسیار افزایش می‌یابد. در آن صورت به طور حتم سقوط دومینوی نظام‌های پادشاهی طرفدار غرب بسیار شدت خواهد گرفت و رژیم عربستان سعودی نیز از این قضیه در امان نخواهد ماند. هدف دیگر رژیم آل سعودی از مطرح کردن ایده اتحادیه، انزوای سیاسی رقیب بلندپرواز خود، قطر است. زیرا عربستان با تشکیل اتحادیه عرب به سادگی قادر خواهد بود قطر را مهار کند.

نکته مهم این است که مطرح کردن تشکیل اتحادیه کشورهای عرب در این مقطع زمانی بدون چراغ سبز آمریکا بسیار بعید به نظر می‌رسد. به خصوص اگر به این موضوع توجه داشته باشیم که به تازگی واشنگتن برخلاف ژست‌های سیاسی در دفاع از حقوق بشر، با از سرگیری فروش سلاح به بحرین، بر ادامه سرکوب تظاهرات مردم این کشور تأکید کرده است. در همین راستا هیلاری کلینتون رژیم بحرین را متحد ارزشمند آمریکا در منطقه دانسته است.

بایکوت خبری بحرین

مؤلفه دیگری که درباره سرکوب انقلاب مردم مظلوم بحرین تا به حال مؤثر بوده، بایکوت خبری است که رسانه‌های منطقه و جهان در مورد انقلاب بحرین به آن متوسل شده‌اند. در جریان انقلاب‌های مصر و لیبی، بایکوت خبری باعث بی‌آبرویی شبکه‌های خبری وابسته به استکبار

می‌شد. اما انقلاب بحرین از سوی قریب به اتفاق شبکه‌های جهانی مدعی بی‌طرفی و نشر آزاد اطلاعات، نادیده گرفته می‌شود. رسانه‌های عربی و غربی به طور مستقیم کم و کیف رویدادهای انقلابی در «میدان التحریر» مصر را مخابره می‌کردند، حال آنکه حکومت آل خلیفه «میدان لؤلؤ» را که به نماد مقاومت مردمی در بحرین تبدیل شده بود، با خاک یکسان کرد و آب از آب تکان نخورد.

راهبردی بودن کشوری کوچک

کوچک بودن کشور بحرین به لحاظ جغرافیایی و نیز جمعیت کم این کشور حاشیه خلیج فارس مزید بر علت شد تا انقلاب بحرین هیچ‌گاه به متن رسانه‌های جهانی ورود پیدا نکند و جهان خواران مستکبر با همه توان نظامی خود از آن مراقبت کنند تا این موقعیت حساس را از دست ندهند. لذا موقعیت جغرافیایی و راهبردی بحرین و احساس خطر آمریکا و انگلیس که پایگاه‌های نظامی بزرگی در آن دارند، موجب شد تا سرکوبی به وسیله نیروهای خارجی و عمدتاً مزدوران آل سعود به عنوان وابستگان و جیره‌خواران آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل شدید و دهشتناک باشد. اما علی‌رغم این فشارها، مردم شیعی که اکثریت مطلق را دارند و در کنار آنان اقلیت سنی، مردانه ایستاده‌اند و روح مسلمانی و انقلابی‌گری واقعی را به عالمیان نشان می‌دهند و رسوایی بزرگی برای آمریکا و مزدوران وابسته‌اش فراهم می‌آورند. یعنی هرچند نتیجه‌ای که ملت بحرین خواستار حصول آن بود، هنوز به فرجام خود نرسیده است، اما باید گفت ایثارگری‌ها و رشادت‌های مردمی بر روح

و طریقه مقاومت ملت بحرین تأثیر مثبت و الهام‌بخش خود را گذاشته است و راه و مسیری که می‌باید برای آزادی در ادامه در آن گام بردارند، بیش از پیش روشن و مشخص است.

منابع

1. <http://www.bidarynews.com>
2. <http://www.mehrnews.com>
3. <http://www.khabaronline.ir>
4. <http://sharghnewspaper.ir>
5. <http://www.mehrnews.com>
6. <http://www.atynews.com>

سایر منابع در دفتر مجله محفوظ است.

فریاد آزادی در میان زنان بحرین

